

نظرگاه

کار توجیه‌نشده بی‌معنا



آیدین آغداشلو

● در هیچ جای دنیا موزه‌ای به اهمیت «موزه هنرهای معاصر» را به‌دست هیچ مؤسسه خصوصی نمی‌دهند حتی اگر دولت در آن شریک باشد، این مسئله شکفت‌انگیزی است که با اینکه تکذیب شده اما حتی فکرش هم بی‌معنی است. اگر مسئله این است که موزه را به‌لحاظ مالی نمی‌شود اداره کرد و بودجه ندارند، موزه را تعطیل کنند. در موزه را ببندند، اموالش را نگه دارند و مراقبت کنند. ولی اموال موزه مانند مجموعه جواهرات سلطنتی است و یک مجموعه فرهنگی، تاریخی و متعلق به ملت ایران است. اگر واقعا مسئله بی‌پولی است موزه را تعطیل کنند و هر زمان بودجه کافی داشتند دوباره موزه را باز کنند. دهه‌ها موزه در ایران این اتفاق را تجربه کرده‌اند؛ یعنی به علت اینکه امکانات نداشته‌اند برای مدتی تعطیل شده‌اند. موزه هنرهای اسلامی به مدت ۱۰ سال تعطیل بود. اما اشیا پاید محفوظ بماند و اشیای موزه مطلقا با مجموعه جواهراتی که در بانک مرکزی نگهداری می‌شود، فرقی ندارد. اگر مجموعه جواهرات سلطنتی را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند، این مطلب را راجع به موزه هم عنوان کنند. البته من توصیه نمی‌کنم در موزه را ببندند؛ زیرا موزه انبار نیست و باید به روی مردم باز باشد. راه‌حل مشکلات بودجه‌ای دولت طمع‌کردن به موزه هنرهای معاصر نیست. موزه هنرهای معاصر، موزه مردم است. موزه حتی ارکستر سمفونیک ایران نیست که آن را به بخش خصوصی واگذار کنند و ماهیت آن فرق می‌کند. بیشترین شاهکارهای ممکن در این موزه است. این شاهکارها نه‌تنها مجموعه هنرهای غربی و مدرن ایران را شامل می‌شود بلکه در این موزه عالی‌ترین صفحات شاهنامه شاه‌طهماسبی نگهداری می‌شود و من درک نمی‌کنم ریشه این فکر از کجا آمده است. این موزه ذخیره عظیمی از آثار فرهنگی است. مثل اینکه بگویند موزه ایران باستان را با کتیبه‌ها و لوح‌های هخامنشی می‌خواهیم به یک مؤسسه خصوصی واگذار کنیم. کدام موزه بزرگ دنیا در دست یک مؤسسه خصوصی است؟ هر موزه بزرگ دنیا از دولت پول می‌گیرد و بودجه دولتی دارد. مگر موزه متروپولیتن این‌طور نیست؟ مگر موزه لوور این‌طور نیست؟ تمام موزه‌های بزرگ همین‌گونه‌اند. موزه بریتانیا مجانی است و اصلا درآمدی ندارد. من واقعا درک نمی‌کنم که این فکر شگفت‌انگیز از کجا شروع شده و اصلا هدف چیست؟ اگر هدف درآمدزایی است که این موزه‌ای در دنیا درآمدزایی نمی‌کند و حالا اگر این موزه به بخش خصوصی واگذار شود تضمینی برای درآمدزایی وجود دارد؟ این اتفاق درباره موزه اهواز هم افتاد. اما اینجا صحبت از میلیاردها دلار اموال موزه است. همان چند ورق شاهنامه شاه‌طهماسبی ارزشی بالای یک‌میلیارد دلار دارد. من از این बात خیلی متأثر شدم و همین مطالب را خواهم نوشت و در روزنامه‌ها به انتشار می‌رسانم چون این فکر، فکر بسیار غلط و غیراجرایی است. تصور می‌کنم مطرح‌شدن این مسئله به این وسعت و جانبداری هنرمندان از اینکه این فکر غلط کنار گذاشته شود، بسیار بجا بوده است. این موضوع باید با روشنگری همراه شود و از این گنجینه ملی آثار فرهنگی زنده و پویا حمایت و محافظت شود.

خبر

هفته فیلم‌های صامت در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران

● **شرق**: نخستین دوره جشنواره بین‌المللی «فیلم بی‌کلام تهران؛ هفته فیلم‌های صامت» در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

این دوره جشنواره با مرور بر آثار کارگردانانی چون یاساجیرو اوزو، فریتس لانگ، موریس اشتیئر، کارل تدودور درایر، رابرت وینه و کارل هاینتس مارتین از روز ۲۲ تا ۲۶ فروردین به‌مدت پنج‌روز از ساعت ۱۳ تا ۱۹ تا سه ستانسن در سالن سینماک موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

تمرکز اکران‌های این دوره روی آثار «ویکتور شوستروم»، است. علاوه‌براین، آثار کارگردانانی چون اوزو، فریتس لانگ، موریس اشتیئر، درایر، رابرت وینه، کارل هاینتس مارتین، فیلم‌های کوتاه سینمایی آوانگارد و تجربی نیز به نمایش درخواهند آمد.

در راستای آشنایی بیشتر مخاطبان با جریان فیلم‌سازی صامت در تاریخ سینما، دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فیلم بی‌کلام تهران هرساله یک هفته قبل از برگزاری بخش رقابتی فیلم‌های ملی و بین‌الملل، اقدام به برگزاری هفته فیلم صامت با نمایش آثار درخشان صامت تاریخ سینما می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند به صورت رایگان و آزاد برای استفاده از برنامه نمایش فیلم‌های صامت، به موزه هنرهای معاصر تهران، واقع در خیابان کارگر شمالی مراجعه کنند.



احمد طالبی‌نژاد

سالان نمایش جایی بود شبیه به دخمه‌های زیرزمینی. صحنه هم نداشت. در واقع همه جای سالن صحنه بود. عده‌ای توی هم می‌لولیدند و نقش‌هایشان را که من چیزی ازش سر در نمی‌آوردم، بازی می‌کردند. دورتادور هم تماشاگران نشسته بودند؛ روی صندلی یا نیمکت. نگاه کردم دیدم در ردیف جلوی من عباس کیارستمی که تازه از بیمارستان مرخص شده و آیدین آغداشلو کنار هم نشسته‌اند. کیارستمی حسابی تکیده شده بود. با وجودی که

بر اثر یک سوءتفاهم ازش دلخور بودم، طاقت نیاوردم و سرم را بردم بیخ کوشش و گفتم «باور کنید اگر به من خبر می‌دادند پدرم که تقریباً این اواخر هر شب خوابش را می‌بینم زنده شده، این قدر خوشحال نمی‌شدم که از سلامتی شما شادمانم». لیخندی زد و چرخید طرفم و گفت:«نخواستم بهت بگویم مریضم و نمی‌توانم جلوی دوربینت ظاهر شوم. حالا هر کاری از دستم برمی‌آید حاضرم». بعد صحبتمان گل انداخت و درباره نمایشی که در حال اجرا بود، حرف زدیم. بازیگران با لباس‌های عجیب‌وغریب و سر و موی آشفته از جلوبیمان رد می‌شدند. از این نمایش‌های اولترامدرن بود که تازگی‌ها در تئاتر ما رایج شده است. تماشاگران اغلب بی‌حوصله بودند. هرکس با بغل دستی‌اش

حرف می‌زد. کسی کاری به نمایش و بازیگرانش که داشتند جان می‌کنند تا توجه تماشاگران را جلب کنند، نداشت. کیارستمی گفت از نمایش خوشش آمده. چون عین زندگی است که نظم و نسقی ندارد، ولی در مجموع زیاست و با وجود اینکه هنوز پزیشکان اجازه نداده‌اند در محافل حاضر شود، آمده است تا شاهد این اجرا باشد. تماشاگران دسته‌سته سالن را ترک می‌کردند. آیدین چنان غرق در نمایش بود که توجهی به ما نداشت. سالن خالی شد و ما سه نفر مانده بودیم. بازیگران حالا درمقابل چشمان ما بازی می‌کردند. تازه داشتم متوجه می‌شدم که این یک نمایش ازبورد است. مثل خود زندگی و یادم آمد که واژه ازبورد را داریوش شایگان به «جنگ» ترجمه کرده است. کیارستمی یک چشمش به نمایش

واگذاری موزه هنرهای معاصر به بنیاد رودکی بازهم خبرساز شد

ملانوروزی: بحث واگذاری منتفی است



در مواردی همچون اداره ارکسترهای سمفونیک و ملی این بنیاد از دولت بودجه گرفته است. از سوی دیگر موزه هنرهای معاصر علاوه‌بر بنایی که از نظر معماری دارای اهمیت است، به‌واسطه گنجینه‌ای از آثار هنرمندان شناخته‌شده خارجی و ایرانی، از نظر مادی هم دارای ارزش زیادی است. همین موضوع باعث شده بحث بیمه این آثار به یکی از چالش‌های موزه تبدیل شود و تاکنون هیچ‌ک از شرکت‌های بیمه ایرانی نتوانستند از عهده قیمت‌گذاری و بیمه آثار موزه برآیند. به همین دلیل حساسیت بر موزه‌ای که از نظر تاریخی و مادی به‌عنوان یکی از گنجینه‌های ملی و هنری به شمار می‌آید، اگر قرار باشد از سوی نهادهای غیردولتی اداره شود، همواره وجود داشته است.

تجربه‌های مشابه

البته پیش از این هم واگذاری نهادهای فرهنگی و هنری مطرح شده که یکی از نمونه‌های آن واگذاری تئاتر‌شهر به بنیاد رودکی در دی‌ماه ۹۳ بود که در همان زمان این موضوع از سوی اهالی تاتر با انتشار بیانیه‌ای انجام شد: «جناب آقای وزیر، آیا صحت دارد که مجموعه تئاتر شهر، این نگین پایتخت قرار است زیرمجموعه بنیاد رودکی قرار بگیرد؟ آیا از عواقب چنین طرح و ایده‌ای آگاه هستید؟ سیاست‌های راهبردی مجموعه بنیاد رودکی در این سال‌ها، صرفا درآمدزایی، بدون کمترین توجه به ارزش‌های هنری آثار بوده؛ آیا تاتر قرار است در مراعاتی مرگ با هنر- صنعتی مثل سینما قرار بگیرد؟ یعنی: بفروش تا زنده بمانی! پس وظیفه دولت چیست؟ نگاه پایدار و چشم‌انداز فرهنگی کجاست؟» حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد نیز در نشست خبری‌ای که نهم دی برگزار شد، به این بیانیه چنین پاسخ داد: «تصمیمی برای واگذاری این جایگاه به بخش دیگر نیست. زیر نظر معاونت هنری خواهد بود و اخیرا هم معاونت توسعه منابع اقدام به بازسازی آن کرده است». اگر از اهالی تئاتر بگذریم، هنرمندان تجسمی هم نیمه نخست سال ۸۴ واگذاری یک نهاد عمومی به بخش خصوصی را در نمونه‌ای کوچک‌تر تجربه کردند. شش سال پس از افتتاح دوباره موزه هنرهای معاصر اهواز، شهرویر سال گذشته این موزه به بخش خصوصی واگذار شد. همایون قنوتی، مدیرکل ارشاد خوزستان در مورد این واگذاری به ایرنا عنوان بود: «صاحبان اصلی این موزه دولت و هنرمندان هستند. این واگذاری در راستای نگهداری از فضای موزه و ارتقای آن است و هرکس و هر جریحی علاقه‌مند می‌تواند برای خارج‌کردن رکود ۱۰ساله این موزه و سرمایه‌گذاری در آن اقدام کند». این گفته‌ها در صورتی اظهار شد که نه‌تنها پیش از واگذاری، بلکه پس از آن هم به‌صورت رسمی و سفاف اعلام نند که شرایط واگذاری موزه هنرهای معاصر اهواز

نمایش آثار حجت امانی در دهلی هند

است و از آنجایی که در دوره‌ای از هنر هند هنر ایرانی – اسلامی هم حضور دارد، برایی نمایشگاه در این کشور را با اشتیاق پذیرفتم. علاوه‌براین، وجوه مشترک بین هنر ما و هنر هند که هر دو ریشه در باورها و آیین‌ها دارند، زیاد است؛ به‌طوری‌که گاهی چنان با اسطوره‌ها آمیخته‌اند که جدایی‌ناپذیر شده‌اند. از سبویی دیگر، توجه اغلب هنرمندان

ایرانی به کشورهای اروپایی و عربی است که بازارهای هنری بریون‌تری دارند و کمتر به‌سمت شرق رفته‌اند، اما اساسا من سعی کرده‌ام از دنیای شرق غافل نشوم». این نمایشگاه را امیتا وارما، نمایشگاه‌گردان، این نمایشگاه را حمایت از هنر پیشرو در شرق می‌داند و معتقد است هنرمند بیشتر از فضای کاری باید حرکت

عباس کیارستمی، فیلم‌ساز رئالیست*

بود و یک چشمش به من. گفتم این نمایش تمام بشو نیست. همه رفته‌اند و ما مانده‌ایم. حالتان هم که خوب نیست. می‌خواهید برویم بیرون؟ هوا هم آلوده است. می‌ترسم اذیت شوید. گفت: «نه تا آخرش می‌بینم. نمایش خوبی است. شبیه خود زندگی «گفتم» مثل فیلم‌هایتان. این کارگردان حتما تحت تأثیر آثار شماسست «گفت» نه تحت تأثیر خود زندگی است. آیدین بلند شد و گفت «عباس من فهمیدم چی به چی است، کافی است. می‌روم» و به من اشاره کرد «پاشو برویم. این عباس بد جوری عاشق زندگی است. بگذار تنها بماند». تا آمدم از جایم بلند شوم، از خواب پریدم.

«**نام کتابی تألیف دوست ازدست‌رفته‌مان ایرج کریمی**

ارکسترسمفونیک باکشت: اما درباره متن استعفایش چنین عنوان کرد: «متأسفانه وابستگی ارکستر به بنیاد رودکی و گرداندانش همواره مانعی برای ادامه کار و پیشرفت بود؛ بنیادی که مدیرعامل و همراهانش نه‌تنها کمترین تجربه‌ای در زمینه مدیریت ارکستر نداشتند؛ بلکه با سوءمدیریت و در نتیجه بی‌نظمی اداری روزانه با ایجاد مشکلات متعدد آرایش را از مجموعه ارکسترسمفونیک تهران سلب کردند و به غیر از ایجاد تشویش هیچ زمینه‌ای برای ایجاد زمینه‌ای مناسب برای فعالیت هنری فراهم نکردند و هنوز با گذشت ۱۲ ماه هیچ قدمی درباره اداره یک ارکستر ۷۵نفری برنداشته‌اند. بالاخره بعد از ماه‌ها به این نتیجه رسیدم که ادامه همکاری حرفه‌ای من با این بنیاد غیرحرفه‌ای امکان‌پذیر نیست».

انتشارسند

موضوع واگذاری موزه هنرهای معاصر که ۱۸ فروردین بار دیگر از سوی خبرگزاری مهر و ایلنا مطرح شد، یک روز بعد با انتشار سندی از سوی «معماری نیوز» ابعاد تازه‌ای گرفت. یکی از این سندها به امضای قاسم خسروی، مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری در تاریخ هشتم اسفند ۹۴ خطاب به علی مرادخانی، معاون هنری وزیر ارشاد نوشته است: «در اجرای تصمیم کمیته ساختار و فن‌آوری‌های مدیریت ستاد مرکزی وزارت متبوع در جلسه مورخ شش اسفند مبنی بر واگذاری مدیریت فرهنگ‌سرای نیاوران، موزه صبا و موزه هنرهای معاصر با ترک تشریفات به بنیاد رودکی، خواهشمند است دستور فرمایید هزینه‌های جاری (اعم از پرسنلی و غیره و همچنین میزبان کمک‌ها) مراکز یادشده را فوق‌الذکر جهت اقدامات بعدی به این دفتر ارسال نمایند».مرتضی باقرنژاد، مشاور اجرایی معاون هنری وزارت ارشاد در یک سند دیگر در تاریخ یازدهم اسفند در نامه‌ای به ملانوروزی، سرپرست موزه‌های معاصر، طالبی، سرپرست دفتر موسیقی و سجادی، مشاور معاون وزیر و سرپرست فرهنگ‌سرای نیاوران، نوشت: «به پیوست نامه مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری مبنی بر واگذاری مدیریت فرهنگ‌سرای نیاوران، موزه صبا و موزه هنرهای معاصر به بنیاد رودکی ابلاغ می‌گردد، خواهشمند است دستور معاصر، طالبی، سرپرست دفتر موسیقی و سجادی، مشاور معاون وزیر و سرپرست فرهنگ‌سرای نیاوران، نوشت: «به پیوست نامه مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری مبنی بر واگذاری مدیریت فرهنگ‌سرای نیاوران، موزه صبا و موزه هنرهای معاصر به بنیاد رودکی ابلاغ می‌گردد، خواهشمند است دستور فرمایید لیست هزینه‌های جاری (اعم از پرسنلی و غیره و همچنین میزبان کمک‌ها) مراکز یادشده را حداکثر تا پایان مورخ ۹۴/۱۲/۲۲ در قالب فایل word برای بهره‌برداری لازم به این حوزه ارسال نمایند».

حل شفاهی موضوع واگذاری

مجید ملانوروزی، سرپرست موزه هنرهای معاصر یک روز بعد از انتشار این نامه در پاسخ به صحت این موضوع به شرق گفت: «در شورای تحول اداری بحث‌هایی در این زمینه انجام شده بود. این شورا معمولاً واگذاری‌ها، تفویض‌ها و… را بررسی می‌کند که نامه‌های منتشرشده در این شورا صورت گرفته است و موزه و معاونت هنری نقشی در این جریان نداشته‌اند. من هم چند روز پیش از عید متوجه وجود این نامه‌ها شدم؛ چون در تاریخی که نامه‌ها وجود دارد من به ارمنستان سفر کرده بودم. پس از آن هم در صحبت‌هایی که انجام شد، این موضوع مورد بحث قرار گرفت و ما دلایل خود را مطرح کردیم تا این واگذاری صورت نگیرد که در نهایت مسئله به صورت شفاهی حل شد و گفتیم امکان ندارد چنین واگذاری‌ای صورت بگیرد». او با تأیید اینکه موضوع واگذاری فاحری است و فکر می‌کنم شده و معاون هنری نیز ۱۹ فروردین در گفت‌وگو با رسانه‌ها این موضوع را تکذیب کرده است، افزود: «اگر قرار باشد چنین موضوعی صورت بگیرد، در ابتدا باید از سوی مجلس مصوب شود».

کند و گالری باید محیطی باشد برای پروراندن هنرمندان جوان و رساندن آنها به بالاترین پتانسیل و توانشان. حجت امانی پیش از این نمایشگاه‌های گسترده‌ای در کشورهای شرقی، اروپایی و آمریکایی داشته است و به‌زودی برخی از آثار طراحی و نقاشی خود را در تهران به نمایش خواهد گذاشت.

چهره روز

مرگ غمگین ثریا



● **شرق**: ثریا حکمت، بازیگر سینما و تلویزیون، درگذشت. این هنرمند صبح روز گذشته دار فانی را وداع گفت. ثریا حکمت با نام اصلی آذر مهدی‌قلی‌خانی، متولد ۱۳۳۲ از اوایل بود که پس از اخذ مدرک منشی‌گری از خاویل دهه ۵۰ فعالیت بازیگری‌اش را آغاز کرد که تا اواخر دهه ۸۰ ادامه داشت. ازجمله فیلم‌های سینمایی که این هنرمند فقید در آنها نقش‌آفرینی کرده بود، می‌توان به آثاری چون «نقطه ضعف»، «تصویر آخر»، «خواسنگاری»، «شب‌شکن»، «سمندر»، «جدال در تاسوکی»، «بهار در پاییز»، «دو همسفر»، «حالا چه شود؟»، «روز دیدنی»، «نیش»، «تهاجم»، «ماه‌پیشونی»، «آواز قو»، «عروسی مهتاب» و فیلم به‌یادماندنی «ای ایران» ناصر تقوایی اشاره کرد. این بازیگر بیش از یک دهه بود که فعالیت بازیگری نداشت و در سال‌های آخر عمرش برپای تأمین معاش در عسر و حرج بود؛ به‌طوری‌که مجبور شد دندان‌های خود را بفروشد. حکمت که در اوایل سال جدید به دلیل مسمومیت دارویی به بیمارستان منتقل شده بود، با بهبود نسبی شرایطش، ترخیص شده بود ولی بامداد ۱۶ فروردین‌ماه به دلیل تشنج و لخته‌شدن خون بار دیگر به بیمارستان منتقل شد و به کما رفت. روحش شاد و یادش گرامی.

مراسم تشییع مرحوم ثریا حکمت از حدود ساعت ۹ صبح روز ۲۲ فروردین از مقابل خانه سینما ۲ برگزار می‌شود. پیکر آن مرحوم، روی مزار دیگر بازیگر فقید سینما، مهری ودادیان، به خاک سپرده می‌شود.

گزارش

جشنواره‌ای با امتیاز «سوت‌وکوری»

● **شرق**: فیلم‌های ایرانی بخش‌های رقابتی سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر معرفی شدند. رضا میرکریمی، دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر، فیلم‌های ایرانی بخش‌های سینمای سعادت (مسابقه بین‌الملل) و جلوه‌گاه شرق (مسابقه سینمای کشورهای آسیایی و اسلامی) را انتخاب کرد. در بخش سینمای سعادت سه فیلم «راوند»، به کارگردانی پوریا آذربایجانی، «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم»، به کارگردانی حمیدرضا قربانی و «نفس»، به کارگردانی نرگس آبیار در کنار ۱۲ فیلم خارجی به رقابت می‌پردازت. همچنین دبیر نشست‌های تحلیل فیلم و مدیر بخش دارالفنون سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر شامگاه پنجشنبه ۱۹ فروردین با حضور در برنامه زنده «شهر فرنگ» در شبکه خبر درباره ضرورت وجود جشنواره جهانی فیلم فجر صحبت کردند.

شجاع‌نوری در پاسخ به سؤالی درباره تعدد و تورم جشنواره‌ها در ایران و کارکرد این جشنواره‌ها گفت: «اگر یک جشنواره با مأموریت درست برگزار شود، مانند مدرسه و مکتب نیاز ما به آموختن را رفع می‌کند و این باعث می‌شود جشنواره‌ها زیاد به نظر نرسند، به‌ویژه اگر تخصصی باشند. بر اساس ذائقه و سلیقه‌ای که آقای میرکریمی دارد و همه ما به‌خاطر این نگاه در کنار او هستیم، جشنواره بار علمی خواهد داشت و این نیاز سینمای ایران است». او ادامه داد: «درست است اما پای ما در سرزمینمان است و نگاهمان به جهان. جشنواره جهانی فیلم فجر، یک جشنواره بومی است. ما به‌دنبال برگزاری جشنواره‌ای هستیم که برای ما دستاورد داشته باشد. یعنی میهمانی که دعوت می‌کنیم، فردی باشد که بتواند و تجربه و دانش داشته باشد و به ما نکاتی را بیاموزد».

مازایا میری هم در بخش دیگر این برنامه درباره انتخاب فیلم‌ها گفت: «در جشنواره جهانی فیلم فجر چند فیلم اولین نمایش جهانی‌شان را خواهند داشت. از سوی دیگر آنچه در بخش‌های مختلف جشنواره نمایش داده می‌شود، مکمل آن مجموعه دانشی جشنواره است. یعنی نمایش‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های جنبی همه یک مجموعه هدف‌گذاری‌شده و مفید برای دانشجویان سینما، جوانان علاقه‌مند و مخاطبان هدف این دوره جشنواره هستند». علیرضا شجاع‌نوری درباره انتقاد به نمایش فیلم‌های کمترشناخته‌شده در این جشنواره گفت: «اصلا امتیاز این دوره از جشنواره همین سوت‌وکوری است. اگر ما فیلم‌هایی که در جشنواره‌های دیگر درخسیده‌اند را نمایش بدهیم، از سوت‌وکوری خارج می‌شویم. اما این مأموریت جشنواره ما نیست. جشنواره جهانی فیلم فجر محل تبادل اندیشه و دانش است».